

سُورَةُ النُّورِ ۲۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام یگانه خدای جهان که بخشایش و مهر او بی‌کران
سُورَةُ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَّعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ



چنین سوره‌ای را بدادیم نزول ببايد که مردم نمایند قبول
بود آیه‌ها روشن و بینات تذکر شما راست اندر حیات

الزَّانِيَةُ وَالزَّانِيَ فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ ۖ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ
إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۖ وَلَيَشْهَدَ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ



مجازات باید شود با محن زناکار فاسد چه مرد و چه زن
که صد ضربه بر او بگشته روا بدون مداراست حکم خدا
به حق و معاد گر شما مؤمنید نباید رئوفی بر ایشان کنید
به هنگام اجرای این‌سان حدود ز پاکان مؤمن بگردند شهود

الزَّانِيَ لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً ۖ وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ ۚ وَحَرِّمَ ذَلِكَ عَلَى
الْمُؤْمِنِينَ



چو مردی زناکار هست و پلید به وقتی که عقد و نکاحش رسید

به عقد آورد او زنی همچو خویش زناکار و مشرک به آیین و کیش
و یا یک زنی که کند کارِ زشت شود همسر مردی مشرک سرشت
حرام است بر جمله‌ی مؤمنان نکاح آورند بر چنین مردمان

وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ



هر آن کس که نسبت دهد بر زنا به یک بانویی که نکرده خطا
نیارد اگر شاهی بر نگاه چهار شاهدِ عادل بی‌گناه
به هشتاد ضربه بود مستحق به فردی که تهمت زده غیر حق

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ



مگر آنکه تهمت‌زنی نابکار کند توبه او نزدِ پروردگار
رساند به اصلاح اعمالِ خویش نیارد به تکرار افعالِ پیش
سپس ذاتِ پاکِ غفورِ رحیم ببخشاید ایشان زِ کارِ قدیم

وَالَّذِينَ يَرْمُونَ أَزْوَاجَهُمْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنْفُسُهُمْ فَشَهَادَةُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ



هر آن کس که تهمت زند این چنین که هست همسر زانیه، با یقین
ندارد ولی شاهی جز خودش و خواهد که او حدّ زند بر زنش
چهار مرتبه لازم آید قسم همی قبلِ هر حکم بر متهم
بگوید که من هستم از صادقین و این زن زناکار باشد یقین

وَالْخَامِسَةُ أَنَّ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ

به پنجم قسم او بخواند عیان که لعن خداوندگار جهان
نصیب هر آن کس که اندر کلام دروغ او رساند به شکل پیام

وَيَدْرَأُ عَنْهَا الْعَذَابَ أَنْ تَشْهَدَ أَرْبَعَ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ

به رفع عذاب می‌تواند که زن نماید دفاع و گشاید سخن
چهار بار شهادت دهد با قسم بگوید، نباشم چنین متهم
دروغ است این تهمت نامتین که این مرد باشد خود از کاذبین

وَالْخَامِسَةَ أَنْ غَضَبَ اللَّهُ عَلَيْهَا إِنْ كَانَ مِنَ الصَّادِقِينَ

به پنجم قسم او بگوید چنین بود لعنت حق به من بر یقین
اگر شوهرم باشد از صادقان و راست باشد آن دعوی‌اش در میان

وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ

نمی‌بود اگر فضل ذاتِ اله که از رحمتش او ببخشد گناه
بگشتید شامل عذابی الیم ولی هست توبه‌پذیر و حکیم

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِّنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَّكُم بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ
مِّنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ

گروهی که بهتان زدند این چنین بُرند آبروی شما را ز کین
 نباشید هراسان ز بهتان‌شان بسا که بود عاقبت خیرتان
 ببینند تهمت‌زنان خود عِقاب جزایی بود هر عمل را حساب
 عذابی شدیدتر بگردد سزا کسی را که بود منشاءِ افترا

لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ

﴿۱۲﴾

نباشد سزاوارتر؟ مؤمنان! که درباره‌ی تهمتی این چنان
 شنیدید هر گونه بهتانِ زشت ز افرادِ دونِ منافق‌سرشت
 بگویید به حسنِ ظنِ آنکه تمام دروغی عیان است این‌سان کلام

لَوْلَا جَاءُوا عَلَيْهِ بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَإِذْلَمْ يَأْتُوا بِالشَّهَدَاءِ فَأُولَئِكَ عِنْدَ اللَّهِ هُمُ الْكَاذِبُونَ

﴿۱۳﴾

چرا پس چنین مردمانِ دورو؟ نیاورده چارِ شاهی روبه‌رو
 ندارند ایشان چو هرگز گواه دروغگو بمانند به نزدِ اله

وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لَمَسَّكُمْ فِي مَا أَفَضْتُمْ فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ

﴿۱۴﴾

نمی‌بود اگر فضلِ ذاتِ خدا به دنیا و عَقبا برای شما
 به محض شنیدن ز بهتانِ زشت خطا می‌نمودید در سرنوشت
 سپس زین جهالتِ عذابی گران نصیب شما می‌شد ای مؤمنان!

إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِالسِّنِّتِمْ وَ تَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَ تَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ

بدین‌روی سخن‌های آن جاهلان اگر که برانید شما بر زبان
 به حالی که علم و یقین تمام ندارید هرگز به این‌سان کلام
 به پندارتان کوچک است و خفیف به حالی که کاری بود بس عنیف
 گناهی بزرگ است در روزگار به درگاه ذاتِ خداوندگار

وَلَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَذَا سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ

به محض شنیدن ز این اتهام چرا که ندادید پاسخ تمام؟
 که نبود روا این‌چنین افترا تکلم نیاریم زین ماجرا
 بود تهمتِ نادرست از لئیم مُنزه تویی، کردگارِ عظیم!

يَعِظُكُمُ اللَّهُ أَنْ تَعُودُوا لِمِثْلِهِ أَبَدًا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

بود پند و اندرزی از کردگار که زِ نهار ای مردمِ روزگارا!
 نگردید بر گردِ این‌سان کلام اگر مؤمنید، بشنوید این پیام

وَيَبِّينُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

خدا کرده آیات خود را بیان برای شما مردمانِ جهان
 به کلّ حقایق بود او علیم خداوندگاری که باشد حکیم

إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ۚ
 وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

همان‌ها که از جهل یا آنکه کین اشاعه دهند کارِ زشت این‌چنین
به دنیا و عقبای این جاهلان عذابی بود سهم ایشان گران
علیم است، الحق خدای جهان ولیکن ندانید شما مردمان!

وَلَوْلا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ رَعُوفٌ رَحِيمٌ

﴿۲۰﴾

نمی‌بود اگر فضلِ پروردگار نبود رحمتش گر در این روزگار
عقوبت نمودی شما را الیم ولی هست خداوند رئوف و رحیم

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطَانِ ۚ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُواتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ
يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ ۚ وَلَوْلا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا
وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

﴿۲۱﴾

کسانی که دارید ایمان، کنون اطاعت نورزید ز شیطانِ دون
هر آن کس که بر خطِ شیطان رود ز امرش به فحشا و منکر شود
نمی‌بود اگر رحمتِ کردگار برای شما مردمِ روزگار
نمی‌گشت پاک و منزّه کسی بمانده بشر در گناهش بسی
ولی هر کسی را که خواهد اله منزّه و پاکش کند از گناه
چو حق بشنود هر دعا بی‌گمان سمیع و علیم است خدای جهان

وَلَا يَأْتَلِ أُولُوا الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولَى الْقُرْبَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي
سَبِيلِ اللَّهِ ۖ وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا ۗ أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

﴿۲۲﴾

نشاید کسانی که در قدرتند ره بخشش و فضل پی نسپرند
ترحم و بخشش به اقوامِ خویش مهاجر و مسکین و هر دل‌پریش

که با خُلقِ نیک و ره عافیت ببخشند و صلحی کنند عاقبت
 ندارید مگر دوست سرانجامِ کار؟ که بخشد شما را خداوندگار؟
 خداوند غفور است و هم مهربان رحیم است و بخشاید او مردمان
 إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لَعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ
 عَظِيمٌ

﴿۲۳﴾

هر آن کس که تهمت زند بر زنی که باشد زنِ نیک و پاکدامنی
 بر او باد لعنت به هر دو جهان نصیبش عذابِست سخت و گران
 يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

﴿۲۴﴾

و روزی بیاید که اعضای تن ز دست و ز پا و زبان بر سخن
 گواهی دهند جمله بر کارِ زشت که انجام داده همان بدسرشت
 يَوْمَئِذٍ يُوقِفُهُمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ

﴿۲۵﴾

در آن روز بینند همگی جزا به حدّ کمال و سزا، از خدا
 بفهمند آنکه، خدای جهان بود برحق و آشکارا عیان
 الْأَخْبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ ۖ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ ۚ
 أُولَٰئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ ۚ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ

﴿۲۶﴾

زنِ بد بود لایقِ مردِ پست و هر مردِ بد با زنِ بد نشست

زنی پاک بر مردِ پاکی رواست و هر مرد نیکو زنی نیک خواست
 مبری زِ تهمت بوند بی‌گمان کسانی که پاکیزه‌اند در جهان
 ببینند بخشش و رزقی عظیم زِ ذاتِ خداوندگارِ کریم
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّىٰ تَسْتَأْذِنُوا وَتَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَٰلِكُمْ
 خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

﴿۲۷﴾

کسانی که ایمان بیاورده‌اید! چنین امرِ نیکو نباید شنید
 نگرديد وارد به هیچ منزلی مگر آنکه صاحب بگوید بلی
 ولی گر که منزل سرای شماست دخول بی‌اجازه در آنجا رواست
 به محض ورود هم نمایید سلام بر آن اهل خانه به نیکی تام
 که خیر شما هست این‌سان ثنا به آدابِ نیکو شوید آشنا
 فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّىٰ يُؤْذَنَ لَكُمْ ۖ وَإِنْ قِيلَ لَكُمُ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا ۚ
 هُوَ أَزْكَىٰ لَكُمْ ۚ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ

﴿۲۸﴾

چو کس را نیابید در خانه‌ای شاید که داخل شوید لحظه‌ای
 ورود بی‌اجازه یقیناً خطاست مگر آنکه با اذن، آنکه رواست
 چو گشتید داخل، اگر اهل آن بگویند که خارج بشو ای فلان!
 باید که برگردید از آن سرا مُنزه بگردید زین ماجرا
 خداوندِ عالم بود او حکیم به هر چیز دانا و باشد علیم
 لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ فِيهَا مَتَاعٌ لَّكُمْ ۚ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ
 وَمَا تَكْتُمُونَ

﴿۲۹﴾

نه هیچ قید و بندیست از بهرتان که وارد بگردید بر یک مکان
 که نیست ساکنی نیز اندر سرا مُشاعست و دارید سهمی شما
 ز افعالتان، آشکار یا نهان بود آگه از آن، خدای جهان

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ۚ ذَٰلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ

﴿۳۰﴾

بگو مؤمنان را که اندر نگاه ببندند چشمان خود از گناه
 و اندام خود را ز هر نوع خطا حفاظت نمایند سر تا به پا
 که اصلح بود این چنین امر یقین شوید پاک و پاکیزه، ای مؤمنین!
 بدانید که باشد خداوند خبیر به هر کارتان کوچک و گر کبیر

وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا ۚ وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ ۚ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولَى الْأَرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ ۚ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ ۚ وَتَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

﴿۳۱﴾

رسولا! بیان کن تو بر مؤمنات فرو هشته چشمانشان از جهات
 به حفظ آورند نیز فروج و بدن و هم زینت جسم و اعضای تن
 ز بیگانه و جمله نامحرمان مگر آنچه قهراً بگردد عیان
 بر سینه و دوش پوشیده باد که زن زینتش آشکارا مباد
 مگر آنکه شوهر و یا که پدر پدرشوهر و همچنین بر پسر
 اگر شوهرش نیز دارد پسر مجازست نپوشد ز او رو و سر
 برادر و نیز هم پسرهای آن پسرهای دیگر هم از خواهران

کنیزان و اعضای آن خاندان ز اتباع خانه چه مرد یا زنان
 که بی‌رغبتند بر زنان جملگی که محرم به هم بوده در زندگی
 و طفلی که تشخیص ندارد چنان به اندام و هم عورت بانوان
 نکوبند پاهای خود این‌چنین به نحوی مُحَرَّک به روی زمین
 که زینت ز پاهایشان بی‌قرار بگردد عیان و شود آشکار
 کنید توبه جمعاً همه مؤمنین! به نزد خداوندگار، با یقین
 چنین وعده باشد ز پروردگار که شاید بگردید شما رستگار

وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ ۚ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

﴿۳۲﴾

مجرد اگر هست مرد یا که زن ندارند زوجی و جفتی به تن
 به عقد آورید همسری بهرشان ز ایشان که باشند از صالحان
 اگر که فقیرند در روزگار ببخشد ز فضلش غنا کردگار
 خدا آگه است از همه بندگان در رحمت و فضل او بی‌کران

وَلَيْسَتَغْفِرَ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَالَّذِينَ يَبْتِغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا ۚ وَآتُوهُمْ مِّنْ مَّالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ ۚ وَلَا تُكْرِهُوا فَتَيَاتِكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِّتَبْتَغُوا عَرَضَ الْحَيَاءِ الدُّنْيَا ۚ وَمَنْ يُكْرِهِنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

﴿۳۳﴾

چو تزویج ممکن نشد بر کسی ره پاکی باید بجوید بسی
 بر او می‌رسد فضل پروردگار شود بی‌نیاز اندر این روزگار
 نماید اگر برده‌ای این سؤال که ثبت آورید قیمتش بالمال
 چو خواهد بپردازد او قیمتش پذیرید این عقد و آزادی‌اش
 دهدش ز مالی که پروردگار بدادست شما را در این روزگار

اگر که کنیزی بود او عقیف مبادا! بریدش به کارِ عقیف
 که با حرصِ مالِ جهانِ فنا نماید مجبورشان بر زنا
 به زور گر کنیزی نماید گناه ببخشد او را زِ لطفشِ اله
 خداوند باشد غفور و رحیم به حال همه خلقِ عالمِ علیم

وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ آيَاتٍ مُّبِينَاتٍ وَمَثَلًا مِّنَ الَّذِينَ خَلَوْا مِن قَبْلِكُمْ وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ

﴿۳۴﴾

فرستاده‌ایم ما زِ لطفِ عمیم زِ آیاتِ روشنِ بسیط و کریم
 زِ اقوامِ ماقبل، مَثَل‌ها بیان که بودند قبل از شما در جهان
 بگردند هدایت همه مؤمنان بگیرند عبرت زِ امثالِ آن

﴿۱﴾ اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ ۚ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ ۚ
 الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِن شَجَرَةٍ مُّبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ
 زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ ۚ نُورٌ عَلَى نُورٍ ۚ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ ۚ وَيَضْرِبُ اللَّهُ
 الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ ۚ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

﴿۳۵﴾

خدا هست نورِ سماء و زمین مثالی زِ نورش بود این‌چنین
 چراغدانی رخشنده اندر ظهور چراغی درونش بود غرقِ نور
 زِ شیشه به دورِ چراغست حُباب بیوشانده مانند دیوار و قاب
 درخشنده باشد چنان درّ ناب به مانند کوكب و یا که شهاب
 گرفتست قوّت زِ زیتون درخت درختی مبارک، درخشنده سخت
 نه شرقی نه غربیست آن ذاتِ نور فروزنده عالم بود زان ظهور
 به حالی که هیچ آتشی این میان نگردیده لمس و نباشد عیان
 چنین نور، بالاترست، اجمعین زِ انوارِ موجود در عالمین
 که انوار دیگر همه در جهان زِ تحتُ الشّعاعش بگردند نهان
 هدایت ببخشد زِ این نور خدا به هر کس که او خواست در ماسوا

به شکل مثل گفته پروردگار برای همه مردم روزگار
که آگه بود آن خدای کریم به کلّ خلاق بود او علیم

فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ

﴿۳۶﴾

بود خانه‌هایی که در آن سرا بیابند ترفیع به اذن خدا
چو نام خداوند با ذکر تام به تسبیح بیارند در صبح و شام

رَجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ لَا يَخَافُونَ يَوْمًا
تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ

﴿۳۷﴾

و مردان نیکوی در روزگار نگردند غافل ز پروردگار
به وقت تجارت، فروش و خرید نبرده ز یاد کردگار فرید
نماز آورند جا به پیشگاه حق زکاتی دهند نیز بر مستحق
بسی خوف دارند ز روز حساب که باشد دل و دیده در اضطراب

لِيَجْزِيَهمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ ۗ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَن يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ

﴿۳۸﴾

جزای چنین کار نیک را خدا ز رحمت بر ایشان نماید عطا
بیفزاید از فضل و احسان و جود ثواب عظیمی کز این کار بود
خدا هر که را خواست روزی دهد که بی حد و حصر است رزق احد

وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمْآنُ مَاءً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا
وَوَجَدَ اللَّهَ عِنْدَهُ فُوقَاقِهِ حِسَابَهُ ۗ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ

﴿۳۹﴾

مثالیست اعمال آن کافرین
 به مانند و مثلِ سراب در زمین
 گمان می‌کند تشنه آنجاست آب
 شتابان دود او به سوی سراب
 به آنجا رسد تا که او این‌چنین
 نیابد یقین آبی اندر زمین
 بفهمد سپس که خدا حاضرست
 بر اعمال ایشان چنین ناظرست
 به ثبت آمده هر عمل در کتاب
 خداوند باشد سریع‌الحساب

أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرٍ لُّجِّيٍّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِّنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِّنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ ۚ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا
 فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكِدْ يَرَاهَا ۚ وَمَنْ لَّمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُّورٍ

﴿۴۰﴾

مثل‌های دیگر ز این‌گونه حرف
 به مانند ظلمت به دریای ژرف
 که هر موجی موجِ دگر بر سرش
 بود ابرِ تاریک بالاترَش
 چنین ظلمتی پشت در پشت هم
 گرفته همه بحر، از زیر و بَم
 اگر دستی زین ظلمت آید برون
 نبیند هدایت نه هیچ رهنمون
 هر آن کس که از کفر و از زشتکار
 نبخشد بر او نور، پروردگار
 نبیند یقین روشنی آن پلید
 که از کفر، نوری ز یزدان ندید

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْبِغُ لَهُ مَنَ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرِ صَاقَاتٍ ۖ كُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَ
 تَسْبِيحَهُ ۚ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ

﴿۴۱﴾

نبینی که تسبیح کنند اجمعین
 هر آنچه بود در سماء و زمین
 همه مرغ پرّان و هر چیز هست
 به ذکر و نمازند، بالا و پست
 بر اعمال خلق، آن خدای کریم
 بود ناظر و هست بر آن علیم

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ

﴿۴۲﴾

هر آنچه که هست در سماء و زمین بود ملک یزدان همه اجمعین
همه خلقِ عالم در این ماسوا نمایند رجعت به سوی خدا

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَزْجِي سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَّامًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خَلَالِهِ
وَيَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا مِنْ بَرَدٍ فَيُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَصْرِفُهُ عَنِ مَنْ يَشَاءُ
يَكَادُ سَنَا بَرْقِهِ يَذْهَبُ بِالْأَبْصَارِ

﴿۴۳﴾

ندیدی مگر که خدای جهان؟ نماید روان ابر در آسمان
بگردیده انبوه از بیش و کم تراکم پذیرند بر روی هم
ز این ابر انبوه، باران ناب رسد قطره قطره بگردیده آب
چنین آب سنگینی از آسمان ببارد به کوه‌ها بگشته روان
به هر جا که خواهد اصابت دهد زمین را بدین سان برودت دهد
بتابد ز برق، نوری از آسمان که گویی برد دید از دیدگان

يُقَلِّبُ اللَّهُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ ۚ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ

﴿۴۴﴾

بگردانده است حضرت کردگار شب و روز در پشت هم ماندگار
که عبرت بود بهر فردِ خبیر کسانی که دارند چشمِ بصیر

وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَّاءٍ ۖ فَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَىٰ بَطْنِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَىٰ
رِجْلَيْنِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَىٰ أَرْبَعٍ ۚ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

﴿۴۵﴾

خدا آفریدست حیوان ز آب به روی زمین و ز هر گون دواب
گروهی به روی شکم می‌خزند گروهی به روی دو پا می‌روند
گروهی چهارپای نامش نهند چهار دست و پا نیز ره می‌روند

هر آنچه خدا خواست، او آفرید تواناست به هر چیز و باشد قدیر

لَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ مُبَيِّنَاتٍ ۚ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

﴿۴۶﴾

بکردیم نازل به روی زمین ز آیات روشن، بسیط و مبین
هدایت کند حق ره مستقیم هر آن را که خواهد خدای کریم

وَيَقُولُونَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَأَطَعْنَا ثُمَّ يَتَوَلَّىٰ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ ۚ وَمَا أُولَٰئِكَ
بِالْمُؤْمِنِينَ

﴿۴۷﴾

بگویند جمعی ز جهل و نفاق که ما مؤمنیم جمله بالاتفاق
اطاعت کنیم ما ز پروردگار رسول را مطیعیم در روزگار
ولیکن به وقت عمل جملگی نفاقها نمایند در بندگی
چنین قوم کلاً به روی زمین نباشند یقین در صف مؤمنین

وَإِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُمْ مُّعْرِضُونَ

﴿۴۸﴾

بگردند چو احضار این جاهلان به نزد خدا و رسول یک زمان
که بر حکم ذات خداوندگار قضاوت بگردند از فعل و کار
گروهی ز ایشان اعراض کنند نخواهند به حکم خدا سرزنهند

وَإِنْ يَكُنْ لَهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ

﴿۴۹﴾

اگر داوری بود بر نفعشان منافق جماعت همان سرکشان

نهند سر به تسلیم و باشند رضا ز آن داوری در حضورِ خدا
 أَفِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَمْ ارْتَابُوا أَمْ يَخَافُونَ أَنْ يَحِيفَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَرَسُولُهُ ۚ بَلْ أُولَئِكَ هُمُ
 الظَّالِمُونَ

﴿۵۰﴾

به دل‌های ایشان نهفته مرض؟ که ورزند در کار خود بس غرض؟
 کنند شک همی بر رسول و خدا؟ که ظلمی به احکام شود ناروا؟
 ولیکن چنین قوم بر حال خویش ستم کرده بر خود ز دوران پیش
 إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا
 وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

﴿۵۱﴾

همانا بوند قومی از مؤمنان که طاعت نمایند خدای جهان
 چو آیند به سوی خدا و رسول کنند حکم یزدان ز دیده قبول
 بگویند شنیدیم و طاعت کنیم به حکم خدا و رسول سر نهیم
 چنین مردمان، رستگارند یقین به نزد خداوند بوند متقین
 وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشَ اللَّهَ وَيَتَّقْهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ

﴿۵۲﴾

هر آن کس که از جان نماید قبول اطاعت کند از خدا و رسول
 بترسد ز ایزد، بود متقی شود رستگار در ره بندگی
 وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ أَمَرْتَهُمْ لَيَخْرُجُنَّ ۚ قُلْ لَا تُقْسِمُوا طَاعَةٌ مَعْرُوفَةٌ ۚ إِنَّ
 اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

﴿۵۳﴾

گروهی به ظاهر قسم می‌خورند که بر امرِ تو ای رسول! سر نهند
ولیکن فرار می‌کنند کاذبین به وقت ضرورت همه اجمعین
بگو که قسم‌های بی‌محتوا نیارید به پیش در حضورِ خدا
علیم است و آگاه ذاتِ کریم به هر چه کنید آگاه است و علیم

قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ ۖ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ ۖ وَإِنْ
تَطِيعُوهُ تَهْتَدُوا ۚ وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ

﴿۵۴﴾

بگو ای نبی! که نمایند قبول اطاعت ز ایزد ز امرِ رسول
اطاعت نکردند اگر مشرکان بر آنهاست فقط، بارِ تکلیفشان
نمایی بر ایشان تو آیین و کیش ولی هر کسی هست مسئول خویش
اطاعت چو کردند در روزگار بگشتند هدایت، شوند رستگار
که تکلیف تو هست ابلاغِ دین ز آیاتِ روشن، فصیح و مبین

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ
الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا
يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا ۚ وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ

﴿۵۵﴾

خداوند وعده بداد و نوید شمايي که بر ذاتِ او مؤمنید
نکوکار هستيد چو اندر زمین خليفه بگردید شوید جانشین
چنان‌که اُمم‌های صالح ز کیش شدند جانشین در زمان‌های پیش
پسندیده آیین این بندگان ببخشد تمکّن خدا در جهان
دهیم ایمنی بر همه مؤمنان ز ترسی که دارند از کافران
نمایند عبادت مرا جملگی نیارند شرکی در این بندگی
پس از آن اگر گشت از کافران بود جاهل، اندر صفِ فاسقان

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

نماز را به جا آورید نزد حق زکات نیز ببخشید بر مستحق
 رسول را اطاعت کنید در جهان که بینید رحمت ز ایزد عیان
 لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ ۚ وَمَأْوَاهُمُ النَّارُ ۖ وَلَبِئْسَ الْمَصِيرُ

تصور مکن تو که این کافران به قدرت رسند در زمین آن چنان
 بود جایشان در جهنم یقین و مأوایشان هست از بدترین
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيْسَتْ أَذُنُكُمُ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ
 مَرَّاتٍ ۚ مِّنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهْرِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ۚ
 ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَّكُمْ ۚ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَىٰ
 بَعْضٍ ۚ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ ۚ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

کسانی که ایمان بیاورده‌اید! بدین‌سان باید اجازت دهید
 به خدمتگزاری که باشد غلام به نابالغی که ندید احتلام
 چو خواهند بیایند در پیشتان به هنگامه‌ی خلوتِ خویشان
 باید که گیرند رخصت سه گاه یکی قبلِ وقتِ نمازِ پگاه
 دگر باره در ظهر و تابندگی که آرید برون جامه از خستگی
 و سوم به گاه عشاء، وقتِ شام که چیره شود بر شما خواب تمام
 چو در خلوتید اندر این سه زمان که هست آشکار جمله اعضایتان
 به جز این سه مورد نباشد خطا شوید دُور هم جمع اندر سرا
 خداوند باشد به هر چیز علیم به آیاتِ محکم بود او حکیم

وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۚ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ
 اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ ۚ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

به حدّ بلوغ تا رسند کودکان
 شوند محتلم و بگردند جوان
 اجازه بگیرند به وقت ورود
 چنین رسمی از دوره‌ی قبل بود
 بگوید خداوند بر مردمان
 ز آیات روشن سلیس و روان
 بود بر همه خلق عالم علیم
 بر آیات محکم بود او حکیم

وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

زنانی که گردیده‌اند یائسه
 بگردیده‌اند فارغ از قاعده
 ندارند امید نکاح هیچ‌گاه
 بر آنها نباشد حرج یا گناه
 که آرند عیان، زینت‌آلات خویش
 رود گر لباسش به پس یا به پیش
 ولی اصلح آنکه رعایت کنند
 به عفت و حفظ خود عادت کنند
 سمیع است ذات خداوندگار
 علیم است به مخلوق، پروردگار

لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَىٰ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُمَّهَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَعْمَامِكُمْ أَوْ بُيُوتِ عَمَّاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَالِكُمْ أَوْ بُيُوتِ خَالَاتِكُمْ أَوْ مَا مَلَكَتُمْ مَفَاتِحَهُ أَوْ صَدِيقِكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَأْكُلُوا جَمِيعًا أَوْ أَشْتَاتًا فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةً طَيِّبَةً ۚ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

نباشد حرج هیچ بر فرد کور
 که قادر نباشند ببینند نور
 به بیمار مهلک و فردِ علیل
 حرج هیچ نباشد چو دارند دلیل
 شما را نباشد دگر هیچ باک
 تناول کنید از غذاهای پاک

به منزلگه خود و یا که پدر و یا منزلِ مادر آید به در
 برادر و خواهر در آن خانه‌ها و یا که عمو و سپس عمه‌ها
 به منزلگه دائی و خاله نیز تناول نمایند ز هر گونه چیز
 امانت اگر هست در دستتان کلیدی ز یک منزلِ دوستان
 نباشد گناهی که وارد شوید در آنجا نشسته طعامی خورید
 اگر بر سرایی نمایید ورود فرستید از خود سلام و درود
 مبارک بود این سلام و درود تحیت بگفتن به وقتِ ورود
 بفرموده آیات، این‌سان عیان برای خلاق همه در جهان
 تعقل بود لازمه بر شما طریق هدایت بگفته خدا

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ لَّمْ يَذْهَبُوا حَتَّىٰ يَسْتَأْذِنُوهُ ۚ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ۚ فَإِذَا اسْتَأْذَنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأُذِنَ لِمَن شِئْتَ مِنْهُمْ وَاسْتَغْفِرَ لَهُمُ اللَّهُ ۚ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

﴿۶۲﴾

کسانی که اندر یقین مؤمنند به حکم خدا و رسول سر نهند
 حضور نبی می‌رسند گونه‌گون شاید که بی اذن آیند برون
 ز تو هر که گیرد اجازه، رسول! بود مؤمن و نزد یزدان قبول
 چو خواهند اجازه ز تو در امور اجازت بفرما به وقت حضور
 طلب کن تو غفران ز پروردگار برای چنین مردم نیک‌کار
 که ذات خداوندگارِ کریم بود مهربان و غفور و رحیم

لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا ۚ قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنْكُمْ لِوَاذًا ۚ فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

﴿۶۳﴾

نشاید رسول را ندایی زنید بدان‌سان که بر یکدگر می‌زنید
 خداوند به حال کسانی که خویش نمایند پنهان همی کم و بیش

بُوَد آگه از فعل و گفتِ لئیم زِ احوال ایشان بُوَد او علیم
 کسانی که سرپیچی از حکمِ او نمایند و آرند بسی گفتگو
 نباید که ترسند از فعل خویش که افتند به فتنه، بگردند پریش
 و یا بر مصیبت بگردند دچار عذابی بر ایشان بگردد قرار

أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ قَدْ يَعْلَمُ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ وَيَوْمَ يُرْجَعُونَ إِلَيْهِ فَيَنْبِئُهُمْ
 بِمَا عَمِلُوا ۗ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

﴿ ۶۴ ﴾

همه مُلکِ ایزد بُوَد، بالیقین سماوات و هر چیز اندر زمین
 بدانچه که دارید به نیتِ نهان علیم است پروردگار جهان
 به روزی که رجعت کنید سوی حق جزایی ببینید زِ فعلِ سبق
 خدایی که باشد عظیم و کریم بر احوال و اعمال باشد علیم